



الافتاء

یادمان قله رفیع
عشق و فضیلت

به روایت حضرت آیت الله العظمی صانعو

(مد ظله)



قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه اول، واحد ۱۳۳
تلفن: ۳۷۸۳۵۰۹۰ (۰۲۵) نمایر: ۳۷۸۳۵۰۹۱ (۰۲۵)
همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۸۸۰۸ صندوق پستی: ۵۵۷ - ۳۷۱۸۵

سرشناسنامه
عنوان و نام پدیدآور : همراه با آفتاب : یادمان قله رفیع عشق و فضیلت
به روایت آیه الله العظمی صانعی (مدظله)
مشخصات نشر : قم : فقه الثقلین ، ۱۳۹۴ .
مشخصات ظاهری : ۱۸۵ ص .
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۸۰-۵۰۰
وضعیت فهرست نویسی : فبیای مختصر
یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی
<http://opac.nai.ir> قابل دسترسی است .
شناسنامه افزوده شده فرهنگی فقه الثقلین ، معاونت فرهنگی
هنری
شماره شناسنامه ملی : ۳۸۷۷۱۰۰

همراه با آفتاب

یادمان قله رفیع عشق و فضیلت
به روایت حضرت آیه الله العظمی صانعی (مدظله)

ناشر: انتشارات فقه الثقلین

تدوین: معاونت فرهنگی - هنری مؤسسه فقه الثقلین

طراح و صفحه آرا: مرتضی فتح اللهی

لیتوگرافی: نویس

چاپ: زمزم

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: ششم (اول ناشر) / زمستان ۹۴

بها: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹ - ۵۷ - ۵۲۸۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۱۳ مقدمه

۲۱ زندگی و زمانه آیت الله العظمی صانعی

دفتر اول: گفته‌ها ۲۷

۲۹ امام؛ الگوی مردم داری و حکومت

۳۰ بخش‌هایی از زندگی امام

۳۸ عدالت و بعثت انبیاء

۴۲ سختی و شکنجه در راه اسلام

۴۶ امام، راه‌های سلامت را پیمود

۵۰ امام خمینی و احیای اجتهاد

۵۷ امام انسان تربیت کرد

۵۹ تحریر الوسیله، محور درس خارج

۶۰ سیاست امام

۶۱ احیای جمهوریت و اکثریت

۶۴ امام و آزادی حوزه علمیه

- ۶۶ آیا امام فقیه نیست؟
- ۶۸ جایگاه زمان و مکان در فقه امام خمینی
- ۷۰ عزت و استقلال حوزه‌های علمیه

دفتر دوم: خاطرات / ۷۳

- ۷۵ ناگفته‌هایی از دوران سیاسی امام
- ۸۱ خدمت به امام، یک افتخار بود
- ۸۲ ماز اهل وقت
- ۸۳ توسل و دقت
- ۸۶ صریح امام
- ۸۷ اندیشه امام
- ۸۸ دیدار امام با استیضاح کاشانی
- ۸۹ برخوردهای اخلاقی امام
- ۹۰ رعایت حریم انسانها
- ۹۱ طرح مرجعیت آیت الله بروجردی در جف
- ۹۲ مظلومیت امام
- ۹۲ امام، تبلور نیکی‌ها
- ۹۳ توجه به امور شرعی
- ۹۴ مبارزه با شخص شاه
- ۹۵ اهمیت به اموال مسلمانان
- ۹۸ آگاهی، اخلاص و تعبد امام
- ۹۹ عزاداری و حفظ سنت
- ۱۰۰ دفاع از اسلام
- ۱۰۳ دقت و توجه به شاگردان
- ۱۰۳ امام، استادی کامل
- ۱۰۴ شناخت موضوع
- ۱۰۵ امام؛ جمع فقه و فلسفه
- ۱۰۷ مبارزه با متحجران و کج اندیشان
- ۱۰۸ امام هیچ گاه به دنبال مرجعیت نبود
- ۱۰۹ امام و اندیشه‌ی حکومت اسلامی

فهرست مطالب ○ ۱۱

۱۱۱.....	تحول امام در فقه.....
۱۱۲.....	امام توهین به روحانیت را نمی‌بخشید.....
۱۱۲.....	امام زندان و تبعید را عزت اسلام می‌دانستند.....
۱۱۳.....	انقلاب ما، انقلاب اسلامی است.....
۱۱۴.....	از هر راه که ضرر ندارد، اقدام کنید.....
۱۱۴.....	اما ناشناخته ماند.....

دفتر سوم: گفتگوها / ۱۱۷

۱۱۹.....	فیلسوفی که سک را فریاد را معنا کرد.....
۱۲۰.....	قانون مدای و اخلاص امام.....
۱۲۴.....	باز خوانی علم اصرار دین بشه امام.....
۱۳۱.....	بررسی اشکالات و آمده با این تجربه.....
۱۴۳.....	امام خمینی و حکومت اسلام.....
۱۵۵.....	امام خمینی و کرامت انسانی.....
۱۷۹.....	پانویسها:.....

اسلام دین آزادی، صلح و مساوات

اگر دنیا و حامیان حقوق بشر، اقیانوس علم و دانش امامان ما را درک می کردند و اگر سیاستمداران و روشنفکران و نسل تحصیل کرده می دانست که شیعه از چه عقلانیت و آزادی ای برخوردار است، هیچ گاه به خود اجازه نمی دادند که ما را تروریسم و اسلام را دین خشونت و نفی انسانها بنامند. اگر متوجهان و اندیشان، تفسیر متفاوتی از اسلام ارائه می دهند، به جهت انانیتان سازی شیعه مربوط نمی شود. امروز ما در هجوم بیاناتی کارتر ای استعماری دنیا قرار گرفته ایم و هنوز ملل دنیا با عظام و شکوه این دین آشنا نیست. هنوز با دعاهای شیعی که سرشار از انسانیت و کرامت است بیگانه اند. امروز باید روشنفکران و اسلام شناسان - که هم جوامع بشری را می شناسند و هم این فرهنگ را - با اندیشمندان سایر مذاهب برای نیل به مشترکات انسانیت گفت و گو کنند، چرا که کتاب آسمانی ما بر کرامت انسانی (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ) تأکید کرده است. به همین جهت است که بنده همیشه بد هم، منحصراً روزنامه نگاران، خبرنگاران و روشنفکران خارجی گفته ام که اسلام، دین آزادی و مساوات است، سیاه و سفید، زن و مرد همه انسان هستند و ملاک برتری آنها، تقوا و درستکاری آنهاست (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ).

حضرت آیت الله العظمی صانعی (مدظله)

مقدمه

در تاریخ اندیشه و اندیشه ورزی - و البته متفکر و اندیشمند وجود داشته است؛ عالمان و اندیشمندانی که استبداد را تقوی، کرده‌اند یا برای آزادیخواهی قربانی شده‌اند. متفکرانی که ظلم را توجیه کردند یا برای عدالت کوشیده‌اند و عالمانی که تبعیض را توصیه کرده‌اند یا برابری را برپا کرده‌اند.

سخن از نامها و القاب نیست، بلکه صحبت از حامیان علم و معرفت است. صحبت از شخصیت فرهیخته‌ای است که هم در گذشته و هم امروز، ظلم واقع شده است، بی معنا نیست که بگوییم شناخت او به درک بیشتر آرمانها و آرزوهایش کمک می‌کند و ما را در راهی که انتخاب کرده‌ایم امیدوار.

در این میان اما نسبت برخی از شاگردان امام خمینی - سلام الله علیه - با ایشان، بر اساس رابطه‌ی استاد و شاگرد تعریف نمی‌شود بلکه تحت عنوان آزادی و آزادی انسان و جاری ساختن روح عدالت در میان جامعه تعیین می‌گردد. شاگردانی که بسیاری از آنها اکنون در میان ما نیستند، یا از خیل شهداء بوده‌اند، یا از دنیا رفته‌اند و یا خاموشی گزیده‌اند و لب به دندان می‌گزند. چه بسیارند

کسانی که با نام امام به "نان‌ها" رسیده‌اند و می‌رسند ولی دریغ از اشاره و یادآوری راه و اندیشه‌ی امام.

اما برخی - از شاگردان امام هر چند انگشت شمار - با نام، یاد و هدف او به اصلاح جامعه می‌اندیشند و در این راه هرگونه خطری را به جان خریده‌اند.

با این توصیفات به نام آیت الله العظمی حاج شیخ یوسف صائمی از شاگردان بزرگ امام بر می‌خوریم. ایشان در حال حاضر به توسعه، توشیح و تقویت نظریات امام، جامعه و سیاست و فقه و اخلاق می‌اندیشد و تمام دانش و توان خویش را برای دستیابی به آن نقطه‌ی مطلوب گذاشته است. اما این چه رازی است که این دو تن چنان به یکدیگر پیوند داده است، که جدایی و گسست میانشان در بستر ذهن و در عالم مردم تحقق پذیر نیست؟

به نظر می‌رسد راز بریدن انسانهای بزرگ را باید در آرمانها، اهداف و دستیابی به حقایق جستجو کرد. آن زمان که امام در عرصه عمومی بدنبال تحقق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش و احیای آزادی و رواج عدالت در ساختار حاکمیت و تعمیق برابری در میان فرمان‌فارغ از نژاد و جنسیت و رنگ و مذهب بود. وی با تجدد منهای دین را دید. منهای انسانیت و انسانیت بدون هدف متعالی مبارزه می‌کرد و همواره بزرگ‌ترین دشمنی و عامل نابود کننده دین را ارتجاع و تحجر و دوری از عقلانیت می‌دانست.

فقیه نواندیش این روزگار نیز در تقابل و تخالف با چنین بنیادهاست و در پی آن است که روح استبداد، تبعیض، ریا، ظلم، بی‌پروایی نسبت به حقوق انسانها را از این جامعه باز زنداید. وی برای ساختن جامعه‌ای عاری از خشونت بی‌پروا و تبعیض بی‌شرم و عدالت کاذب و آزادی خیالی تلاش می‌کند. جامعه‌ای که آرمان مراد و استاد او نیز بوده است. آنچه فقیه متفکر این دوران را به تلاش برای احیای آرمانهای امام و ساختن جامعه بر اساس اهداف و افکار بلند او تحریص می‌کند همین مسئله است. این دغدغه‌ای است که شاگرد بزرگ امام را رها نمی‌کند و فقیه مصلح این عصر خود را در قبال امام، جامعه، دین و مردم

مسئول می‌دانند. امید آنکه این هدف و آرمان متعالی و انسانی، روزگاری به شولای واقعیت درآید.

اما آنچه در این مجموعه، تقدیم دوستداران اندیشه‌های امام می‌شود، در سه فصل گردآوری شده است.

تلاش کرده‌ایم تمام گفته‌ها و ناگفته‌های حضرت آیت الله العظمی صانعی را که همی در پایان درسهای خارج فقه و اصول ایشان آمده یا به صورت مصاحبه ثبت شده است در سه دفتر تنظیم کنیم.

بی‌تردید، در سال حاضر پرداختن به سیره و روش امام خمینی و باز تاب اندیشه‌های تنی و بیس، ایشان برای نسل جوان، آن هم از زبان و قلم فقیهی نواندیش که هم به گرد افکار امام بوده و هم بیش از هفت سال، در بیت ایشان حضور داشته، می‌تواند اسیر نفات تاریخی فراوانی نسبت به امام و انقلاب جلوگیری نماید.

این دفتر می‌تواند گوشه‌ای از تاریخ معاصر ایران را از گفتار به نوشتار پنداشت، هر چند به برخی از آن گفته‌ها که مجال انتشار ندارند، اشاره‌ای کوتاه می‌نماییم.

ایشان در ۷۱/۳/۱۱ (پایان درس نکاح و جلسه ۱۰۰) به مظلومیت امام اشاره کرده و تأکید می‌کنند که دشمنان امام و انقلاب در پی آن هستند که چهره آن شخصیت ارزشمند جهان اسلام را مخدوش نمایند.

ایشان معتقدند که دشمن آرام و قرار ندارد و این انتقامها، انتقامات، جریه و حینیه است و حتی می‌خواهند با اهداف ایشان (امام) نیز مخالفت کنند و تفسیرهای متضاد با اندیشه علوی و پاک ایشان ارائه دهند.

در تاریخ ۷۶/۳/۱۲ (بحث ارث و جلسه ۱۵۹) بر مشی و منش آزادیخواهی امام انگشت می‌گذارند و می‌فرمایند:

”امام بهترین آزادی‌ها را برای امت آورد و هیچ گاه مردم را به شرکت در انتخابات ملزم نساخت، چرا که الزام را خلاف آزادی

مردم می‌دانستند، بلکه حضور آنها را به عنوان وظیفه شرعی گوشزد می‌کردند.

مشی و راه تفکر امام این بود که به پا برهنه‌ها و مستضعفان برسید و به آنها ارزش بدهید و محرومیت زدایی کنید. جمهوری اسلامی نظامی است که با رأی اکثریت مردم اداره می‌شود، در غیر این صورت جمهوری نیست و آن نظامی که فقها به آن رأی دادند نمی‌باشد.

در جلسه ۴۹۸ و در پایان درس مکاسب بیع، می‌فرمایند: امام انقلابش را از خرد جامعه آغاز کرد و آنها را رشد داد. آن روزها می‌گفتند چو فرمان یزدان چو فرمان شاه، و صلاح مملکت منسوب به مروان دانند و... اینها یک فرهنگ بود. یعنی اینکه تنها شاه و از ما بترسند همه کاره هستند و مردم هیچ کاره‌اند. امام آمد این فرسنگ را تغییر داد و فرمود: مردم همه کاره و تصمیم گیرنده هستند.

امام علاوه بر مسائل اجتماعی و سیاسی، خرد و اندیشه در فقه، اصول، عرفان و فلسفه را نیز احیاء کرد. بیاییم خدمتی را که امام به خرد انسانها، خرد فردی و جمعی، کرد پس بداریم و عقلانیت تشیع را بسط دهیم.

و یا در جلسه ۱۹۷ می‌فرمایند:

”امام دقت در فقه را به ما آموخت. هیچ کس مانند امام دقت در فقه را ندارد. ایشان در باب عبادات استیجاری و یا در باب غنا شصت صفحه مطلب دارد، در صورتی که دیگران این بحث را با سی صفحه تمام کرده‌اند.

تمام آثار امام مملو از درایت، تحقیق و تتبع است. بیاییم اندیشه و راه این مرد بزرگ الهی را پیماییم و به احترام کرامت و

قداستی که خدا به ایشان داد، فرهنگ او را تداوم بخشیم.“
 در اینجا ضروری است که به یکی دیگر از گفته‌های حضرت آیت الله که
 در مجله اندیشه حکومت، نشریه کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی -
 شماره اول تیرماه ۱۳۷۸ - انعکاس یافته، با اندکی ویرایش، اشاره کنیم:

آیت الله العظمی صانعی در جمع مسئولین کنگره، به چگونگی
 برگزاری کنگره و برخی نظریات مربوط به اندیشه سیاسی امام و
 ولایت فقیه می‌پردازند و می‌فرمایند: از آنجا که در حوزه به
 موازنه فقهی و اصولی امام بی توجهی شد، اندیشه‌های ایشان در
 محاله از ابهام فرو رفته است و برای بازشناسی آن برگزاری این
 کنگره لازم و ضروری است.

ایشان در ادامه اشاره به دیدگاه امام در باره نقش مردم،
 تصریح کرد و گفت امام تمام وجودش را صرف ملت کرده
 است. وی از برخی تفاسیری مربوط به نظریه نامحدود بودن
 اختیارات ولایت فقیه به استناد آیه (الَّتِي أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ
 أَنْفُسِهِمْ)^(۱) برای فقیه اختیارات نامحدود قائلند، انتقاد کرد و چنین
 تفسیری را خلاف ضرورت عقلی و شرعی دانست.

آیت الله العظمی صانعی در بخش دیگری از سخنان خود ارزش
 کار امام را در این دانست که در حوزه علمیه نجف که از زمان
 شیخ انصاری بدین سو مخالف توسعه اختیارات ولی فقیه بودند
 توانست اصل و حدود ولایت را به تفصیل بحث کند، گرچه در
 باره چگونگی و ابزار تحقق آن به صورت علمی بحث نکرد. اما
 در این باره نیز باید به سخنرانی‌های امام مراجعه کرد.

وی در تشریح دیدگاه خود در مورد چگونگی نقش مردم در
 حکومت اسلامی ضمن پذیرش اصل انتصابی بودن ولایت
 فقیهان، تصرف را در آنچه مربوط به مردم است منوط به اذن

مردم دانستند و تأکید کردند: بر این اساس مشروعیت شرعی کار مردم با مردم است و اگر کسی خلافت را انجام دهد از عدالت ساقط است.

ایشان در ادامه مبنای این برداشت را مهمترین اصل تشیع، یعنی تولای قلبی نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) دانست و گفت: لازمه پذیرش این اصل آن است که هرگونه اعمال زور و عملکرد استبدادی غیر قابل قبول باشد. فطرت انسان بر آزادی نهاده است و هیچ عاقلی زور را نمی‌پسندد. بنابراین اعمال زور حتی از سوی امام معصوم و جانشینان ایشان به زوال محبت منتهی می‌گردد و خلاف ضروری‌ترین اصل تشیع است.

بنابراین هر بخش دیگری از سخنان خود بر آزادی و استقلال حوزه‌های شیعه، روحانیت شیعه تأکید کردند و عملکرد امام خمینی را بر رستای حفظ استقلال حوزه دانستند.

به نظر ایشان وابستگی حوزه به حکومت موجب پیدایی «روحانیت حکومتی» می‌گردد، که به جای آنکه برای خدا و مردم حرف بزنند، برای رضای حکومت سخن می‌گویند.

آیت الله العظمی صانعی به این پرسش که آیا بر اساس مبنای انتصاب، عموم فقهای جامع الشرایط دارای صلاحیت یا صلاحیت مثبت داد و در توضیح آن افزود: گرچه بر مبنای ادعای فقیه همه فقها دارای ولایتند و مردم بر مبنای رضایت خود به هر کس که بخواهند می‌توانند مراجعه کنند و او نیز حق دخالت دارد، اما از آنجا که در مواردی این امر به هرج و مرج و اختلال نظام می‌انجامد، باید تنها یک فقیه که مورد قبول مردم است و از سوی آنان انتخاب شده است، در آن حوزه دخالت کند. در این شرایط مداخله دیگر فقیهان در این حوزه نمی‌تواند مشروع باشد.

چراکه سر از استبداد در می آورد. بر مبنای نصب عام فقیهان، امام راحل نیز در زمانی که رهبری نظام را بر عهده داشت مانع از صدور اجازه دخالت در امور حسبه برای افراد از سوی دیگر مراجع نمی گردید. به همین ترتیب، وجوهای شرعی به مراجع پرداخت می شد و در ولی فقیه منحصر نگردید.

فقیه نواندیش شیعه در تبیین نقش مسردم در تصمیم گیری های حکومت اسلامی بر مبنای آیه ۵۹ سوره آل عمران، رتب مشورت را بر حاکم اسلامی حتی در مواردی دانست که رأی افراد یا رأی حاکم مخالف باشد. تنها در این صورت است که مشورت می تواند سودمند باشد و گرنه منحصر کردن مشورت به کسانی که غالباً نظر موافق می دهند و مؤید هستند امری است که مینه استبداد را فراهم می آورد و استبداد حکومت از اموری است که «ما لی ان عقلاً منجز است».

**

بدون شک تا کنون کتب و مقالات فراوانی پیرامون امام و انقلاب به زیور طبع آراسته گشته است؛ روایات متعددی از حرکت های سیاسی، اجتماعی و سلوک عرفانی امام توسط فرزندان و یاران ایشان نقل شده است. آنچه در این نوشتار گردآوری شده است تکرار مکررات نیست، بلکه تأکید بر نسی ناگفته یا کمتر گفته از امام انگشت نهاده که توسط شاگرد وفادار وی گفته و نوشته شده است.

لذا این دفتر را می توان گوشه ای از تاریخ شفاهی ایران و انقلاب دانست، آن هم از زبان کسی که در متن این حرکت تاریخی و در کنار رهبر آن بوده است. ذکر این نکته ضروری است که برخی از خاطرات نیز از آثاری مانند: "پا به

پای آفتاب“ و “برداشت‌هایی از سیره امام خمینی“ استخراج شده که با ویرایش جدید به تدوین آنها همت گماشته‌ایم. برای پدید آوردندگان این آثار نیز آرزوی سلامتی و موفقیت داریم.

در پایان از مسئولان “مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی“ که برخی گفتگوها را در اختیار ما گذاشتند کمال تشکر و امتنان را داریم. امید اینکه این مجموعه بتواند در دستیابی به اهداف تعیین شده موفق بوده و با نهایت و توجه محققان و خوانندگان گرانقدر به رفع نواقص فائق آییم.

و آخر دعوانا ان الحمد لله
معاونت فرهنگی مؤسسه فقه الثقلین
زمستان ۱۳۸۶